



## مهرهای «سفینه تبریز»

عمادالدین شیخ الحکامی\*

(مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران)

یکی از نکات قابل توجه در نسخه یگانه سفینه تبریز<sup>۱</sup>، وجود اثر چند مهر از دوره‌های مختلف است. هدف این نوشته، معرفی، بررسی و شناساندن مهرهای یادشده، به منظور دست‌یافتن به نکاتی احتمالی در باب سفرها و سرگذشت سفینه و ردیابی مالکان آن است. مهرهای موجود در سفینه چهار نوع متفاوت‌اند و دست‌کم وجود پنج مالک از دوره‌های ایلخانی، تیموری، صفوی، زندی و قاجاری را نشان می‌دهند که به ترتیب قدمت به معرفی آنها می‌پردازیم:

**الف -** وجود تعداد بسیاری اثر مهر صنوبری<sup>۲</sup> قرمز رنگ با ابعاد  $3 \times 2/3$  س م که در جای جای سفینه تبریز، به ویژه در بیشتر انجامة‌ها و نیز به صورت پراکنده در حواشی نسخه زده شده است، توجه هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند. بیشترین تکرار اثر مهر در یک صفحه، مربوط به صفحه ۱۵۰ نسخه چاپ عکسی است که با کنار هم قراردادن و تغییر جهت مهر و نیز پرکردن زمینه مهرها با رنگ قرمز، سعی شده است تا شکلی تزئینی\* ایجاد شود. استفاده مکرر از این مهر (حدود ۱۵۰ بار)، سوالاتی را درباره دوره تاریخی، متن مهر، دلیل پاک کردن آن، علت افراط در استفاده از آن، شخصی بودن یا تعلق داشتن به یک کتابخانه، ارتباط مهر با کاتب نسخه، دلیل انتخاب شکل صنوبری و رنگ قرمز به ذهن می‌آورد.

برای یافتن پاسخ احتمالی، برخی از موارد یادشده را بررسی می‌کنیم. در ابتدا می‌کوشیم تا متن مهر را بخوانیم. نوشته مهر در تمام موارد تراشیده شده و تلاش شده است تا به هیچ وجه خوانده نشود. با دقت در اندک اجزای باقی‌مانده حروف، نوع خط و اندازه قلم، می‌توان وجود سه سطر را تشخیص داد. ظاهراً بیشترین تأکید پاک‌کننده

**چکیده:** یکی از نکات قابل توجه در نسخه یگانه سفینه تبریز (کتابت میان سالهای ۷۲۱-۷۳۶ ق)، وجود اثر چند مهر از دوره‌های مختلف است. در این گفتار، مهرهای یادشده به منظور دست‌یافتن به نکاتی احتمالی در باب سفرها و سرگذشت سفینه و ردیابی مالکان آن، بررسی و شناسانده شده‌اند.

مهرهای موجود در سفینه چهار نوع متفاوت‌اند و دست‌کم وجود پنج مالک از دوره‌های ایلخانی تا قاجاری را نشان می‌دهد.

مهمترین و قدیمترین این مهرها متعلق به دوره ایلخانی است. این مهر صنوبری شکل و به رنگ قرمز و با قطر  $3 \times 2/3$  س م می‌باشد که متن آن پاک شده است و در جای جای سفینه تبریز، به ویژه در بیشتر انجامة‌ها و نیز به صورت پراکنده در حواشی نسخه (حدود ۱۵۰ بار) زده شده است و توجه هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند. از میان اندک آثار باقی‌مانده از حروف در برگ‌های ۴۶، ۴۷، ۲۴۶، ۲۶۰ و به ویژه مواردی چون برگ ۵۹، ۶۴، ۸۵، ۱۱۲ و ۳۴۸ که نقش وارونه اثر مهر در صفحه مقابل در لابلای خطوط بازمانده و در هنگام امحاء متن مهر از چشم پاک‌کننده دور مانده است، می‌توان نقش مهر را چنین بازسازی کرد: (وقفیه / مدرسه / بهاییه)

در ادامه مقاله چهار مهر دیگر موجود در نسخه سفینه تبریز معرفی شده و نمونه‌هایی از آن مهرها در چند نسخه دیگر شناسانده شده است.

**کلید واژه:** مهرهای ایرانی؛ مهرها؛ سفینه تبریز.

\* پژوهشگر کتیبه و اسناد دوره اسلامی.

<sup>۱</sup> سفینه تبریز، گردآوری و به خط ابوالمجد محمدبن مسعود تبریزی (تاریخ کتابت):

۷۲۱ - ۷۳۶ ق). تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.

<sup>۲</sup> صنوبری تعبیری است که در خود سفینه (ص ۴۰۸ عکسی) از شکلی مشابه شده است.



ت ۱

شاید وجود حساسیت در تکرار استفاده از این مهر، به وقعی بودن نسخه و نیز تعداد بسیار رساله‌های موجود در سفینه (حدود ۲۱۰ عنوان موجود) بازگردد تا بدین وسیله حتی الامکان از جدا شدن حتی یک رساله، جلوگیری شود.

معطوف به سطر اول مهر از بالاست. از این سطر تنها سه نقطه در بالا و حرف «ه» در پایان آن در برخی موارد از بین نرفته است. اما اثر معکوس مهر در برگ‌های ۸۵، ۷۶ و ۳۴۸ وجود سه حرف سرگرد را ثابت می‌کند، از سطر دوم هم «م» ابتدا، حرف «ر» در وسط و حروف «سه» در پایان یک کلمه تشخیص داده می‌شود. از سطر سوم نیز حرف «الف» در وسط کلمه، دو دندانه، و حرف «ه» در پایان و چهار نقطه زیر آن در چند مورد پاک نشده است.

از میان اندک آثار باقی مانده از حروف در برگ‌های ۴۶، ۴۷، ۲۴۶، ۲۶۰ و به ویژه مواردی چون برگ ۵۹، ۶۴، ۸۵، ۱۱۲ و ۳۴۸ که نقش وارونه اثر مهر در صفحه مقابل در لابه لای خطوط بازمانده و در هنگام امحاء متن مهر از چشم پاک‌کننده دور مانده است، می‌توان نقش مهر\* را چنین بازسازی کرد:<sup>۳</sup>

(وقفیه / مدرسه / بهاییه)

اگر احتمال مطرح شده درباره نام مدرسه درست باشد، بانی آن را باید شخصی ملقب به بهاء‌الدین دانست. چنان‌که می‌دانیم، این‌گونه نام‌گذاری بر مدارس این دوران امری رایج بوده است.<sup>۴</sup> اگرچه به خاطر احتمال وجود نام‌های مشترک، یافتن ارتباط میان سفینه و مدرسه‌ای با نام پیشنهاد شده، مستلزم تلاش و وقت بیشتری است، اما نام «بهاییه» در ذکر مدارس بغداد نیز دیده می‌شود.<sup>۵</sup>



ت ۲

<sup>۳</sup> با سپاس از تصویربرداری آقای محمدعلی شیخ‌الحکامی و لطف جناب مهدی ماکان برای تلفیق رایانه‌ای آثار بازمانده مهرها. دو تصویر نیز مجدداً به لطف آقای ملکبان در اختیارم قرار گرفت.

<sup>۴</sup> برای نمونه: نظامیه (نظام الملک)، ضیاییه یزد (ضیاء‌الدین وزیر)، رشیدییه (رشیدالدین فضل‌الله همدانی)، غیاثیه (غیاث‌الدین وزیر).

<sup>۵</sup> حسین سلطان‌زاده، تاریخ مدارس ایران (تهران: آگاه، ۱۳۶۴)، ص ۱۳۱.



ت ۵

ت ۲

ربع رشیدی که در آن به مهر وقف کتابخانه اشاره شده است<sup>۱۱</sup>، پیشنهاد کرد و این مهر را دومین مهر کهن وقف و کتابخانه پس از آن به شمار آورد.

گفتنی است، وجود اثر این مهر بر حاشیه برخی صفحات نسخه، راهنمای خوبی برای تعیین اثبات میزان بریدگی کاغذ حاشیه نسخه در صحافی‌های بعدی است. نمونه‌های صفحات ۱۰۰، ۱۷۵، ۲۴۰، و ۳۲۰ نشان می‌دهد اندازه کاغذ نسخه در وضعیت اولیه، دست کم دو سه سانتی متر بزرگتر از اندازه فعلی بوده و در یک یا چند مرحله صحافی، مقداری از حواشی کتاب بریده شده است.<sup>\*</sup> وجود اعداد برگ‌شمار بریده شده که اکنون در بالای اکثر صفحات دیده نمی‌شود، نیز به اثبات میزان برش کاغذ از بالا کمک می‌کند. ذکر این نکته لازم است که با توجه به آنکه در شماره‌برگ‌های موجود به استناد اعداد باقی مانده در صفحات خود نسخه (که در چاپی حذف شده‌اند) افتادگی دیده نمی‌شود، زمان اضافه شدن این برگ‌شماری را باید از دوره صفوی به بعد دانست. یعنی زمانی که بخش‌هایی از این مجموعه جدا شده است. بر بالای برگ اول نسخه نیز به روش سیاق‌نویسی همین دوران، (صفوی به بعد) نوشته شده است: «۳۶۷ ورق ۲۱۰ بیت».

ب- مهر مدور با قطر ۲ س.م. دو بار در برگ ۲۴۷ و ۲۴۸ (صفحه اول و سوم کراسه ۴۶ و صفحه ۵۰۳ و ۵۰۵ چاپی) در حاشیه بیرونی نسخه زده شده است. قطر دایره وسط ۹ مم. است. اندکی از گوشه مهر بریده شده و نشان می‌دهد که نسخه پس از این مهر نیز مجدداً صحافی شده است. متن مهر شامل دو بخش است و چنین خوانده می‌شود: در حاشیه:

(حسبی الله و نعم الوکیل / نعم المولی و نعم النصیر)<sup>\*</sup>

و در دایره میانی:

(عبده / حبیب الله / الولشی)

نسبت «ولشی» با «ال» عربی ظاهر آنسبته جغرافیایی است. در استان مازندران (نوشهر و ساری) چهار مکان به نام ولش، ولشت و ولش‌کلا وجود دارد.<sup>۱۲</sup> نیز با احتمال ابدال واو به «ب»، بلشت در باختران و بلشان در رودبار را می‌توان یاد کرد.

## تاریخ‌گذاری مهر

درباره این مهر، نکات زیر، به ویژه برای تاریخ‌گذاری دارای اهمیت و قابل ذکر است:

۱. در میان اشکال مورد استفاده در مهرهای پیش از صفوی این شکل، کهن‌ترین نمونه شناخته شده مهر صنوبری، (یا ترنجبی، بادامی، گلابی و قطره‌ای) است.<sup>۶</sup>

۲. مهر هیچ‌گونه عنصر تزئینی چون حاشیه اضافه، تزئینات گیاهی و هندسی و یا ترکیب حروف و کلمات ندارد. تنها عنصر غیر از حروف متن، نقطه و سه فتحه بر کلمه میانی مهر است.

۳. استفاده از رنگ قرمز برای اثر مهر – که بیشتر در اسناد دیوانی دوره مغول به بعد (آل تمغا) دیده می‌شود – تا دوره جلایریان ادامه می‌یابد<sup>۷</sup> پس از آن نیز در خارج از حوزه دیوان، می‌توان از مهرهای قرمز خانقاه شیخ ابواسحاق کازرونی<sup>۸</sup> که احتمالاً تا ظهور صفویان از آن استفاده می‌شده است نام برد.

۴. اثر مهر مثبت است. یعنی نوشته رنگی و زمینه مهر سفید است. یادآور می‌شوم که کهن‌ترین اثر شناخته شده مهر منفی متعلق به سند دیوانی مورخ ۷۲۳ ق<sup>۹</sup> است. و از این سال به بعد در آثار بازمانده، مهر مثبت کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابر موارد یاد شده، و با در نظر داشتن این نکته که کاتب – چنان که در اکثر انجامه کلمات «کتبه لنفسه»، «صاحب» و «صاحب این کتاب» دیده می‌شود – مسلماً این نسخه را برای شخص خود نوشته است، و نیز روشن شدن متن مهر، می‌توان تاریخ زدن مهر وقف بر این نسخه را پس از مرگ کاتب (زنده در ۷۳۶ ق) تا زمان رواج مهرهای منفی (نگاتیو) دارای عناصر تزئینی، مثل مهر کتابخانه شاهرخ پیشنهاد کرد. اگرچه این نکته را نیز می‌دانیم که یک مهر وقف لزومی برای روزآمد شدن نداشته و می‌توانسته است پس از ایجاد تحول در شکل مهر هم از آن استفاده شود.

اما تا زمان روشن نبودن تاریخ مدرسه بهاییه، تاریخ ساخت این مهر را با توجه به آنکه مهر وقف کتابخانه رشیدی<sup>۱۰</sup>، شاید اولین و کهن‌ترین مهر شناخته شده وقف در تمدن اسلامی است، می‌توان پس از سال ۷۰۹ ق، یعنی تاریخ تنظیم وقفنامه

<sup>۶</sup> از دیگر نمونه‌های پیش از صفوی که من می‌شناسم، می‌توان به مهر انگشتری ناخوانایی در فرمان مورخ سال ۸۰۰ ق که احتمالاً از ابوالفتح امیرانشاه تیموری (ش ۵۰۴، بخش اسلامی موزه ملی ایران) و سند مورخ ۸۹۸ ق (همان مجموعه) اشاره کرد. نمونه‌ای از شکل این مهر (آن هم بدون متن و با اندکی تفاوت) در حاشیه نسخه چاپ عکسی کتاب مهمان نامه بخارا (مسکو، ۱۹۷۶) هم دیده می‌شود.

<sup>۷</sup> آخرین آل تمغای شناخته شده بریک سند دیوانی، بر فرمان مورخ ۷۷۳ ق سلطان اوئیس دیده می‌شود (جهانگیر قائم مقامی، یکصد و پنجاه سند تاریخی. تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸، صص ۹-۱۵).

<sup>۸</sup> مهر مورخ ۷۵۷ ق، در سند مورخ ۸۲۶ ق سازمان اسناد ملی و سند مورخ ۸۵۱ ق آقای سودآور، در هنر دربارهای ایران، ترجمه ناهید محمدشمیرانی (تهران: کارنگ، ۱۳۸۰)، صص ۷۸-۸۳.

<sup>۹</sup> و بالفیای عربی و متن آن «دمشق / خواجه / سوزی» است.

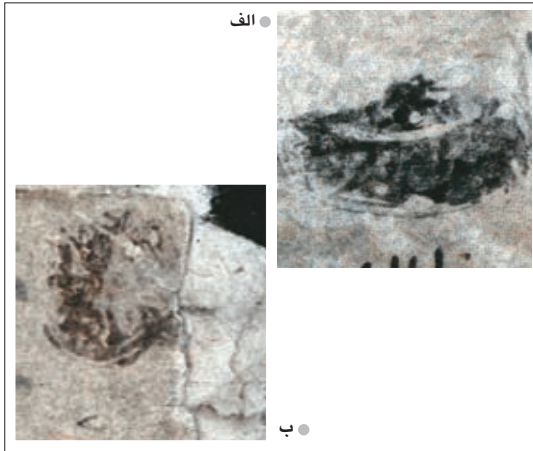
<sup>۱۰</sup> فرانسس ریشارد، «مهر کتابخانه رشیدالدین فضل‌الله همدانی؟»، آینده، ۸ (۱۳۶۱)، ۶: ۳۴۳-۳۴۶.

<sup>۱۱</sup> به نقل از وقفنامه ربع رشیدی، به کوشش ایرج افشار – مجتبی مینوی (تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۶= [۱۳۵۶])، ص ۱۹۸.

<sup>۱۲</sup> محمدحسین پاپلی یزدی، فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.



ت ۳



ت ۴

در باب این مهر نکات زیر قابل ذکر و مفید در تاریخ‌گذاری مهر است:

مهر دایره شکل با حاشیه دو خطی، ذکر شعاری مذهبی در حاشیه و ذکر نام در وسط مهر و هر دو بخش به خط رقااع است. یعنی احتمالاً پیش از رواج استفاده از خط نستعلیق در این گونه مهرها؟

نام «حبیب‌الله» ظاهراً از اسامی رایج شده در اواخر قرن نهم هجری است و پیش از این دوره به عنوان نام اشخاص کاربردی نداشته است. و ظاهراً از نام‌های رایج میان شیعیان است. با توجه به موارد یاد شده، یعنی عنایت به شکل، حاشیه دو خطی، نوع تقسیم‌بندی فضای مهر، خط رقااع ناپخته و یا حکاکی ضعیف آن، وجود نام «حبیب‌الله» و این نکته که براساس شواهد موجود، پیدایش مهرهای شخصی (غیردیوانی) مربوط به اواخر قرن نهم است. فاصله زمانی پیشنهادی برای این مهر را می‌توان از اواخر قرن نهم تا نیمه اول قرن دهم هجری دانست.

در باب این مهر می‌توان دو سؤال زیر را نیز طرح نمود:  
 ۱. آیا علامت موجود در حاشیه این مهر، علاوه بر آنکه متن را به دو بخش تقسیم کرده و عنصری تزئینی به حساب می‌آید، می‌تواند علامتی برای طایفه و خاندان دارنده به حساب آید؟ مانند تمغای ترکمانان قراقوینلو که در سکه‌ها و برخی مهرها از آن استفاده می‌شده است.<sup>۱۳</sup>

۲. با عنایت به آنکه انتخاب جای ضرب مهر در اسناد و به ویژه اسناد دیوانی کاملاً آگاهانه بوده و براساس شواهد موجود رایج‌ترین کاربرد اثر مهر در نسخه‌های خطی (اشخاص، کتابخانه و مهر وقف) مربوط به برگ‌های اول و آخر

و گاه صفحه میانی نسخه و یا چند صفحه مشخص (به صورت رمزی برای دارنده نسخه) است، آیا می‌توان برای وجود این مهر در دو صفحه یاد شده دلیلی یافت و مثلاً<sup>۴</sup> براساس آن افتادگی اوراق نسخه را حدس زد؟

ج- دو مهر\* در گوشه سمت راست اولین سطر یک برگ مانده به انجامه اصلی (که متأسفانه در نسخه عکسی محو شده است) دیده می‌شود. یک مهر آنچنان در گوشه صفحه قرار گرفته و محو است که حتی شکل و متن آن را نمی‌توان به درستی تشخیص داد. اما مهر دیگر، مهری بیضی با ابعاد ۸×۶/۶ م. و به خط نستعلیق است. در متن آن این کلمات را می‌توان تشخیص داد:

[...] معزالدين محمد

این مهر را با توجه به نکات یاد شده، (خط، شکل و اندازه آن)، می‌توان متعلق به قرن یازدهم هجری دانست.

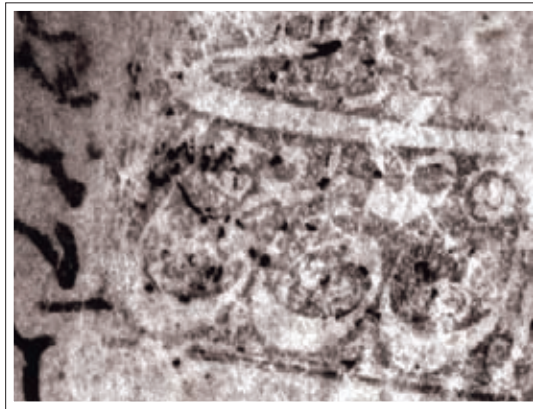


ت ۵

<sup>۱۳</sup> فاروق سومر، قراقوینلوها (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹)، ص ۲۲.



ت ۷



ت ۶

از دانشمندان شهر یزد است و به معرفی شادروان دانش‌پژوه، از همانجا خریداری شده است. (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی، ۱۶: ۴۲۴، نیز مقدمه ص ۱۱-۱۲) در صفحه اول و آخرین کتاب، دوبار از این مهر استفاده شده است. بالای مهر صفحه اول، این کلمات که احتمالاً سال خرید و قیمت و... نسخه است، دیده می‌شود: «سنه ۱۳۳۰/۱۵۰۰ع. یا ۵۰۰ع» اثر مهر صفحه پایانی کتاب واضح‌تر از مهر سفینه است و تاریخ ذکر شده در آن (۱۳۲۹) بسیار روشن است. پایین مهر در صفحه پایانی نوشته شده است: «مال حاجی محمد مهدی اصفهانی»

که بر آن این عبارات نوشته شده است: هو. یک جلد کتاب شرح تجرید از مال عالی جناب آخوند ملا (؟) حاجی مهدی به وساطت عالی جناب میرزا محمد صادق اصفهانی، نزد اقل الطلبة محمد مهدی ولد آقا اسماعیل به عنوان عاریه می‌باشد. حرره فی شهر شعبان المعظم من شهر سنه ۱۲۴۱. [مهر بیضی نستعلیق] (عبده محمد مهدی بن محمد اسماعیل).

بر این نسخه مهر بیضی نستعلیق (اسدالله) نیز دیده می‌شود. ۳. نسخه شرح کافی ملاصدرا موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره ۸۵۰۶ (فهرست، ۱۷: ۱۴۹) بالای این مهر، کلمات «... سنه ۱۳۲۹ع» نوشته شده است. این نسخه در سال ۱۳۵۱ از شادروان استاد بدیع‌الزمان فروزانفر خریداری شده است. در برگ اول نسخه این یادداشت نیز وجود دارد: «از مال... محمد ابراهیم خلف مرحوم محمد مهدی تاجر اصفهانی المشتهر ب...».

د- مهری مربع به خط نستعلیق (با ۴۵ درجه چرخش به سمت چپ) بر گوشه سمت چپ بالای سطر اول صفحه انجامه پایانی (ص ۷۲۷ چاپی) زده شده و اندازه آن، ۱/۷×۱/۹ س.م است.

متن آن:

ابن محمد تقی، علی نقی ۱۱۸۱\*

از مهر این مالک نسخه، نمونه دیگری نیز می‌شناسیم و در آن نسخه نیز چون اینجا، مهر بر گوشه سمت چپ بالای سطر اول آخرین صفحه نسخه الصحایف الالهیه سمرقندی، مورخ ۷۰۴ق، نسخه شماره ۷۰۰۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران دیده می‌شود. یعنی بر نسخه‌ای که مهر «د» نیز بر آن دیده می‌شود. ه- جدیدترین مهر موجود بر سفینه، مهر بیضی شکل به خط نستعلیق، به اندازه ۱/۸×۲/۲ س.م است که اثر آن در صفحات یک (وسط صفحه) و دو (بالای صفحه) نسخه دیده می‌شود. متن مهر چنین خوانده می‌شود:

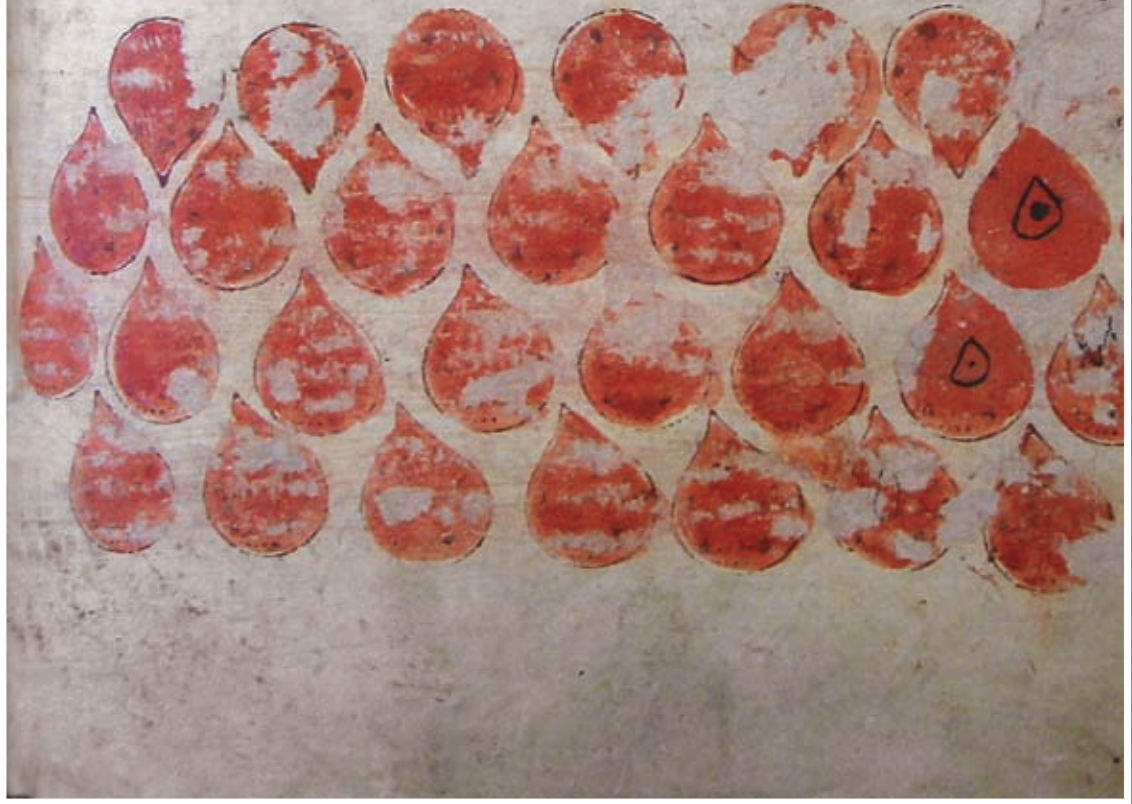
عبده محمد ابراهیم بن محمد تقی، ۱۳۲۹\*

اثر مهر این مالک سفینه، بر سه نسخه خطی دیگر دیده می‌شود<sup>۱۴</sup>:

۱. نسخه مجموعه شماره ۷۲۴۳ کتابخانه مجلس شورای ملی (فهرست مجلس، ۲۵: ۲۴۳) دو بار در صفحه آخر نسخه، متأسفانه در سوابق خرید این نسخه، غیر از مبلغ هشت تومان خریداری شده، هیچ اطلاعی از فروشنده و مبدأ نسخه ذکر نشده است. اما با توجه به شماره نسخه، بنابه نظر استاد حائری احتمالاً در سال ۱۳۱۳ش خریداری شده است.
  ۲. نسخه الصحایف الالهیه سمرقندی، مورخ ۷۰۴ق، نسخه شماره ۷۰۰۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- این نسخه از جمله ۶۳۱ نسخه متعلق به شیخ علی علموی

<sup>۱۴</sup> شناسایی این نسخه‌ها را مدیون جستجو در برنامه رایانه‌ای و ارزشمند جناب آقای ناصر گل‌باز هستم. ایشان متن کامل فهرست‌های منتشر شده خطی کتابخانه‌های تهران را فراهم آورده‌اند. امیدوارم این کار ارزشمند تا شامل شدن همه فهرست نسخه‌های خطی ادامه یافته و مورد حمایت قرار گیرد.

**أما تنصب التبركة على الفيزر** وهي أربعة عشر إذا أؤكنت مع أحد إلى سبعة ولم الاستفهامية وتنصب الخبرية إذا انفصل عنها وبين من زمانها وكان من  
 كم الخبرية وكذا إذا كنى به عن غيره **واسما محرم المضارع على معنى أن** وهي سبعة من مضارعتين وبين معنى أن وهما وحينها وإذا ما والاختلاف لا  
 يحزم ما في الأسماء ومنها **الحروف** وهي ستة أنواع **الحروف المشبهة بالفعل** تسببا الأسم وتزوع الخبر وهي ستة أن وإن وكان والكس  
 وليث وتعل وما شئت من الفعل **والحرفان المشبهتان بليس** وهما ما ولا يعملان بحمله إذا انفصرا للثبوت إلا أو تقدم الخبر لوجهل وان كانت الخبر  
 الخبر وهي ثقبعة أو تعامله عليها إلا أن التكرار المعروفة فإنها مشبهة معها على الفتح **الحرف الناصب للاسمر** وهي سبعة الواو والهمزة والاشص  
 الألف قبلها فعل أو معناه ومنصوبها اسم المنعول شعة الأسم الاستثناء إذا كان منزها وباريا وهما وإن والهمزة وهذا الخمسة هي حروف  
 النداء تنصب التبركة والمضارع وما أيضا رثه الألف المعروفة فإنها مشغوم **الحروف الناصب للمضارع** وهي أربعة أن وإن وإن وإن وإن  
 إذا لم يعتمد على شيء ونصحران بعد ستة أحرف هي حتى وإن وإن وإن وإن وإن وإن وإن وإن وإن وإن وإن وإن وإن وإن وإن وإن وإن وإن  
 الأسم والهمزة والفتحة والاستفهام والفتحة بالعرض **والحروف الجازمة** وهي خمسة لم ولما ظلم وإلام الأسم والاشص والهمزة وإن في الشرط وتضم الأسم  
 ستة جواب الأشياء التي تجاب بالفاء الألف **والحروف الحارة** وهي سبعة عشر من إن وعن وعلى وما وزنت وحتى والفاء واللام  
 والياء وواو الفهم وماك وسند ومد وحاشا وعدا وحلا وقد كفت ربت بما وتوضيح **وأما القياسية** شعة منها **الفعل** **الفاعل**  
 ترفع الفاعل وتنصب المنعول به إذا كان منزها إلى ثلاثة وتنصب لازما كان أو مستغذيا المصدر وكثرة الزمان والمكان **المفعول**  
 والمفعول له والمنعول معه والجال **وسمها الفاعل** يعمل عمل الفعل من فعل إذا كان للفعال أو الاستقبال معناه على مبتدأ أو موصوف  
 أو ذي جواب أو حرف استفهام أو نون **وقد يعمل الظرف** وما جرى مجراه على مرتبة اسم الفاعل **واسم المفعول** يعمل عمل من يعمل من  
 فعله بشرط اسم الفاعل **والصفة المشبهة** كاسم الفاعل شرطا وعملا **والصدر** يعمل عمل فعله إذا كان مطلقا **والاسم الفاعل**  
 بأحد أربعة أشياء التنوين وتوون التثنية والجمع والإضافة ينصب ما بعده على التثنية **والاسم المضاف** بحرف المضاف إليه على جواب  
**وأما المعنوية** فاشناق **أحدهما الابتداء** الواقع للمبتدأ والخبر وهو يخرج بد الاسم من العواويل اللغوية للسناد **والثاني رفع الفعل**  
**المضارع** وهو وقوعه موقعا يصلح للاسم **وقيل** حلوه من العواويل الناصبة والجازمة **والفصل** العامل ما إن يعمل  
 على سبيل الابتداء بحيث يليه المنعول أو على سبيل الاتباع بحيث يترأخى عنه ولا يعمل إلا بساطة المتبوع **والنوع خمسة** التأكيد  
 والعاظه النفس والعين وكلاهما كل واجم وأكث وأبضع وأبضع والصفة أو البدل وعطف البيان والعطف بالحرف وحروفه  
 عشرة الواو والفاء ويتم زوايا وأما بول ولكن ولا وحتى تم الاسم والفصل وقده المنق والفصل عصمة يوم البت ساكن من خمسة أحاد في قوله



برگی از «سفینه تبریز» (تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۱۳۵۹).